



در صحنه معدن سریال «نون خ» با سختی‌های بسیاری مواجه بودیم، همه ما تا ۵ متر زیر زمین رفته بودیم و آب تا نیمه، بدن ما را گرفته بود و از بالا بر سرمون آب می‌چکید. برای قدرت مانور دوربین، هیچ عواملی به جز فیلمبردار، دستیار و صدابردار وجود نداشت، بنابراین خودمان نیز کارگری می‌کردیم.

گفت‌وگو با سیروس سپهری، ادریس سریال «نون خ»  
و هنرمند مشهور کرمانشاهی

# منتظر درخشش هنرمندان شهرستان در آینده نزدیک باشید

سیروس سپهری، چهره‌ای آشنا و مطرح در عرصه هنر و بازیگری است که در سال‌های اخیر بیشتر شاهد هنرمندی او از رسانه ملی بوده‌ایم. وی که زاده شهر کرمانشاه است، از سال ۵۸ که مصداق است با روزهای نوجوانیش، فعالیت را در عرصه تئاتر آغاز کرد.

سپهری در سریال «نون خ»، با نقش ادریس در قاب رسانه ملی درخشید. عمده فعالیت‌های هنری وی حول محور کودک و نوجوان است و جوایزی نیز در این عرصه برده است که از آن جمله می‌توان به کسب مقام اول در نویسندگی تئاتر در جشنواره بین‌المللی تئاتر همدان اشاره کرد.

سریال کیمیا و نون خ، معروف‌ترین کارهایی هستند که این بازیگر مطرح در آنها ایفای نقش کرده است. مصاحبه این هنرمند را با قاب کوچک می‌خوانید.

زهره کریم زاده  
جام جم کرمانشاه



❖ ماجرای حضورتان در سریال «نون خ» چه بود؟

راستش را بخواهید وقتی شنیدم آقای برای انتخاب بازیگر به غرب کشور آمدند و پس از انجام تست بسیار مورد استعاده آقاخان قرار گرفتم و به این شکل جذب نخست شدیم و هرچه می‌گذشت از نظر که بازخورد مناسبی برای مخاطب داشت بعدی شخصیت پررنگ‌تری به خودم هنرنمایی بیشتری می‌یافت.

فیلم و سریال برای یک هنرمند شهرستانی سخت‌تر است؟

بله. سخت‌تر است یا باید فردی شناخته شده باشی یا باید روابطی از قبل ایجاد کرده باشی یا آن که باید همای سعادت بر دوش بنشیند و فرد سرشناسی، هنر تو را ببیند. کارهای متفاوتی در سال‌های زندگی خود انجام دادم که هیچ‌کدام به خوبی دیده نشد حتی به اجرای دوربین مخفی به اسم شوخی با ستارگان پرداختیم، کاری طنز و درواقع سخت بود چرا که در آن مجموعه بازیگری را برای بازی دادن به مکانی دعوت می‌کردیم و اگر وی به ماجرا پی می‌برد زحمت همه عوامل به هدر می‌رفت.

شوم البته کار کودک و نوجوان آن زمان به لحاظ اقتصادی چرخش مالی خوبی هم داشت و مدارس مخاطب ما بودند. کم‌کم با این تجربه خودم دست به کار شدم و نوشتم و کارگردانی کردم و در نتیجه دوازده نمایشنامه در حوزه بزرگسال و کودک و نوجوان نوشتم که در جشنواره‌های مختلف حائز مقام شد. این روند تا فراگیری ادامه داشت تا این که متأسفانه شیوع کرونا حوزه تئاتر را تعطیل کرد!

❖ کارکردن هنری به‌ویژه حوزه

❖ آقای سپهری کار اجرا را چگونه شروع کردید؟

ورود ما از تئاتر بود. انتخاب سختی هم داشتیم، در حالی که نوجوان و دانش آموز بودیم نمایشنامه «چوب به دست‌های ورزلی» نوشته غلامحسین ساعدی را روی صحنه بردیم. به قول معروف لقمه درشتی برداشتیم. آن زمان‌ها فضای هنری به گونه دیگری بود. یک جو همگرایی و صداقت و یکدلی و همیاری وجود داشت. همین بازی و اجرا موجب شد تا نگاه ویژه‌ای به گروه ما شود. یک نفر مشاور و راهنما به نام استاد حسین شیخی را در کنار گروه‌ها قرار دادند که از ایشان چیزهایی یاد گرفتیم.

همان زمان‌ها که کشور درگیر جنگ بود، استان ما منطقه عملیاتی و جنگی محسوب می‌شد، برای سربازها و بسیجیان حاضر در منطقه اجرای نمایش طنز داشتیم که خیلی به تجربیات ما افزود. خاطرات زیادی هم از آن اجراها داریم.

❖ کی وارد تلویزیون شدید؟

سال‌های ۶۹ و ۷۰ بود که جذب تلویزیون کرمانشاه شدیم. اولین کار تصویری حرفه‌ای من تله‌فیلم آسو به تهیه‌کنندگی جواد افشار بود. البته کنار کار تصویر، تئاتر را هم ادامه دادم.

❖ کرمانشاه ماندید یا تهران آمدید؟

سال ۸۳ تهران آمدم. البته کار در تهران خیلی سخت‌تر است. باید شناخته شوی؛ یادم هست آقای شهرام کرمی، مدیرکل هنرهای نمایشی سازمان فرهنگی و هنری به صورت اتفاقی من را در محل تئاتر شهر ملاقات کرد و پیشنهاد کار کودک داد. با این‌که در این زمینه تجربه نداشتم ولی به او گفتم تا حدودی با این بخش آشنا هستم. همین موضوع باعث شد تا وارد حوزه کودک و نوجوان



چند خاطره تلخ و شیرین از نون خ

## به سیروس میمنت می‌گفتیم آلن!

در شرایطی که اوج کرونا بود، در داخل معدن با کمبود اکسیژن کار می‌کردیم. خدا را شکر که به خوبی تمام شد و از لیخندها و دلخوشی‌ها دور نبود.

❖ یک خاطره خوب و بامزه هم بگویید.

در سریال «نون خ» اسم واقعی و فیلمنامه‌ای چند نفر از ما سیروس بازیگرانی چون میمنت و حسینی فر سیروس نام داریم و این اسم آقای علی صادقی هم داده شده بود، هنگامی که کارگردان سیروس همه ما جواب می‌دادیم و به سمت او نگاه می‌کردیم و دچار سردرگم تصمیم گرفتیم هرکس به نام و لقبی که دارد خطاب شود، مثلاً همان علی و سیروس میمنت آلن لقب گرفت و من هم همان س باقی ماندم.

❖ از حال و هوای کارکردن با بازیگران مرکز بگویید؟

در روزهای اول شناخت کم و فاصله زیاد بود، حداقل ارتباط به سلام ختم می‌شد اما به مرور زمان بازیگران مرکز با اخلاق ما آشنا شدند که موقع خداحافظی اشک همه درآمده بود و یک وابستگی ایجاد شده بود.

❖ از گرفتار شدن مردم روستا در معدن بر اثر آبگرفتگی خاطره‌ای دارید؟

بله اما نه خاطره خوب؛ در صحنه معدن سریال «نون خ» با سختی‌های بسیاری مواجه بودیم، همه ما تا پنج متر زیر زمین رفته بودیم و آب تا نیمه بدن ما را گرفته بود و از بالا بر سرمون آب می‌چکید برای قدرت مانور دوربین، هیچ عواملی به جز فیلمبردار، دستیار و صدابردار وجود نداشت بنابراین خودمان نیز کارگری می‌کردیم در هر پلان اگر حضور داشتیم باید مخزن مملو از گل و خاک را جابه‌جا می‌کردیم که برای من نزدیک به ۱۰۰ بار جابه‌جایی رسید این در حالی بود که جراحی دیسک کمر انجام داده بودم و پلاتین در بدن داشتم.

از همان زمان که تئاتر و بازیگری را شروع کرده‌ایم یاد گرفته‌ایم که کم فروشی نکنیم، من، یدا... شادمانی و کاظم نوربخش متحمل فشارهای جسمی شدیم ولی هیچ‌کدام کم‌کاری نکردیم و از مصیم قلب کار کردیم.